

سورة التين



دانشگاه اراک

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی مشخصات زبانی آثار مصطفی مستور

پژوهشگر

اکرم داودآبادی فراهانی

استاد راهنما

دکتر فروغ صهبا

استاد مشاور

دکتر محمدرضا عمرانیپور

مهر ۱۳۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی مشخصات زبانی آثار مصطفی مستور

توسط

اکرم داودآبادی فراهانی

پایان نامه

ارائه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی  
لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه اراک

اراک-ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه:

دکتر فروغ صهبا (استاد راهنما)..... دانشیار

دکتر محمدرضا عمرانیپور (استاد مشاور)..... دانشیار

دکتر علی صباغی (داور داخلی)..... استادیار

پاییز ۱۳۹۳

تقدیم به

پدرم، توانایی که از پانزدهت تا من به پا خیزم.

و مادرم که زیباتر از زبان مادری ام نیافتم.

و همسرم که در این راه همراه من بود.

باساس فراوان از

استاد گران قدرم دکتر فروغ صهبا که نوشتن این پایان نامه را مدیون راهنمایی های

بی دریغ ایشان، مستم.

و با تشکر صمیمانه از

استاد محترم دکتر محمد رضا عمران پور که در مشاوره این پایان نامه خالصانه یاری ام

نمودند.

## چکیده

این پایان‌نامه به بررسی مشخصات زبانی سه رمان «روی ماه خداوند را ببوس»، «من گنجشک نیستم» و «استخوان خوک و دست‌های جذامی» اثر مصطفی مستور می‌پردازد. فصل اول کلیاتی در مورد زبان، ادبیات و رمان و معرفی نویسنده است. فصل دوم و سوم و چهارم به بررسی مشخصات زبانی این سه اثر می‌پردازد و زبان آثار را در چهار محور آواها، واژگان، ترکیبات و جمله‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. در محور آوایی دو نقش موسیقایی و القاگری آواها، در محور واژگان خانواده واژگانی و انواع واژگان و در محور ترکیبات انواع ترکیبات و ترکیبات پربسامد و جمله‌ها و انواع آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. لحن هر اثر و ارتباط زبان با محتوای آن نیز از مباحث دیگر آن است. فصل پنجم به نتیجه این پژوهش می‌پردازد. تنوع واژگان، ترکیبات بدیع و زیبا و تناسب جمله‌ها با محتوای رمان از ویژگی‌های بارز نثر داستان‌ها است. بخشی از داستان‌ها، به ویژه قسمت‌هایی از رمان روی ماه خداوند را ببوس به دلیل ذوق شاعری نویسنده، رنگ شعر به خود گرفته است و از فنون ادبی و احساسات و عواطف شاعرانه نیز بهره‌مند شده است.

واژگان کلیدی: مصطفی مستور، مشخصات زبانی، روی ماه خداوند را ببوس، من گنجشک نیستم، استخوان خوک و دست‌های جذامی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول
	کلیات
۱.....	زبان
۴.....	ادبیات
۵.....	رمان
۱۱.....	موضوع پژوهش
۱۲.....	تاریخچه پژوهش
۱۳.....	اهمیت پژوهش
۱۳.....	شیوه پژوهش
۱۳.....	شیوه ارجاع
۱۴.....	پرسش‌های پژوهش
۱۴.....	فرضیه‌های پژوهش
۱۵.....	در مورد نویسنده
	فصل دوم
۱۸.....	خلاصه «روی ماه خداوند را ببوس»
۱۹.....	آواها
۱۹.....	نقش موسیقایی آواها
۲۰.....	نقش القاگری آواها
۲۶.....	واژگان
۲۷.....	واژگان بیگانه
۲۷.....	واژگان عربی
۲۸.....	آرکائیسیم (کهن‌گرایی)
۲۹.....	واژگان امروزی
۲۹.....	تخفیف واژگان
۳۰.....	تغییر شکل واژگان
۳۰.....	عطف یک واژه نامتناسب
۳۰.....	اتباع
۳۰.....	اسم صوت
۳۱.....	اعداد
۳۱.....	ترکیبات

۳۱.....	واژگان ترکیبی.....
۳۳.....	واژگان ترکیبی زبان بیگانه با املای زبان فارسی.....
۳۳.....	واژگان ترکیبی زبان بیگانه با املای زبان بیگانه.....
۳۳.....	واژگان ترکیبی عربی.....
۳۴.....	واژگان ترکیبی ساخت نویسنده.....
۳۴.....	واژگان ترکیبی عامیانه.....
۳۴.....	ترکیبات عطفی.....
۳۴.....	گروه‌های واژگانی.....
۳۵.....	ترکیبات اضافی.....
۳۵.....	ترکیبات اضافی قدیمی.....
۳۵.....	تابع اضافات.....
۳۶.....	ترکیبات اضافی ذهنی.....
۳۶.....	ترکیبات وصفی.....
۳۶.....	گروه‌های وصفی.....
۳۶.....	صفت‌های عامیانه.....
۳۷.....	موصوف و صفت‌های قدیمی.....
۳۷.....	صفت‌های عربی.....
۳۷.....	هم‌پایگی صفت‌ها.....
۳۸.....	تکرار صفت‌ها.....
۳۸.....	ترکیبات ابداعی.....
۳۸.....	ترکیبات وصفی ذهنی.....
۳۸.....	هسته + متمم.....
۴۰.....	متمم‌های پر کاربرد.....
۴۱.....	هسته + پیرو توضیحی.....
۴۲.....	بدل.....
۴۳.....	جمله.....
۴۳.....	جملات مرکب و ساده.....
۴۵.....	جملات خبری و انشایی.....
۴۶.....	جملات پرسشی.....
۴۷.....	جملات دستورمند و نادستورمند.....
۴۸.....	جملات انگلیسی.....
۴۹.....	جملات معترضه.....



۵۰	تکرار جملات
۵۰	استفاده از آیات قرآن
۵۱	استفاده از اشعار در متن
۵۲	فعل
۵۲	افعال عامیانه
۵۲	افعال قدیمی
۵۳	بار عاطفی افعال
۵۴	ایستایی و پویایی
۵۵	افعال متضاد
۵۵	لحن
۶۲	ضعف لحن
۶۳	ابهام
	فصل سوم
۶۶	خلاصه «من گنجشک نیستم»
۶۷	آواها
۶۷	نقش موسیقایی آواها
۶۷	نقش القاگری آواها
۷۲	واژگان
۷۲	واژگان بیگانه
۷۳	واژگان عربی
۷۳	واژگان کهنه
۷۳	واژگان امروزی
۷۳	عطف واژگان
۷۴	اسم صوت
۷۴	اتباع
۷۴	واژگان عامیانه
۷۵	واژگان خاص
۷۵	ترکیبات
۷۵	واژگان ترکیبی
۷۵	واژگان ترکیبی عامیانه
۷۶	ترکیبات عطفی
۷۶	گروه‌های واژگانی

۷۶	ترکیبات وصفی
۷۶	عطف صفت‌ها
۷۷	صفات عامیانه
۷۷	ترکیبات وصفی عربی
۷۸	ترکیبات وصفی بیگانه
۷۸	ترکیبات اضافی
۷۸	ترکیبات اضافی عامیانه
۷۸	تتابع اضافات
۷۹	ترکیبات اضافی ذهنی
۷۹	هسته + متمم
۸۱	هسته + پیرو توضیحی
۸۲	بدل
۸۲	جمله
۸۳	جملات مرکب و بسیط
۸۵	جملات خبری و انشایی
۸۶	جملات پرسشی
۸۶	جملات دستورمند و نادرستورمند
۸۷	جملات انگلیسی
۸۷	جملات معترضه
۸۸	جملات عامیانه
۸۸	معکوس کردن جملات
۸۹	آمیختگی شعر و نثر
۸۹	فعل
۸۹	افعال عامیانه
۹۰	افعال قدیمی
۹۰	تکرار افعال
۹۳	بار عاطفی افعال
۹۳	ایستایی و پویایی
۹۴	لحن
۹۹	ابهام
	فصل چهارم
۱۰۲	خلاصه «استخوان خوک و دست‌های جذامی»

۱۰۳.....	آواها.....
۱۰۳.....	نقش موسیقایی آواها.....
۱۰۴.....	نقش الفاغری آواها.....
۱۰۶.....	واژگان.....
۱۰۷.....	واژگان بیگانه.....
۱۰۷.....	واژگان عربی.....
۱۰۷.....	واژگان کهن.....
۱۰۸.....	واژگان امروزی.....
۱۰۸.....	اسم صوت.....
۱۰۸.....	اتباع.....
۱۰۸.....	تخفیف واژگان.....
۱۰۹.....	واژگان عامیانه.....
۱۰۹.....	واژگان خاص.....
۱۰۹.....	ترکیبات.....
۱۰۹.....	واژگان ترکیبی.....
۱۰۹.....	واژگان ترکیبی عامیانه.....
۱۱۰.....	ترکیبات عطفی.....
۱۱۰.....	گروههای واژگانی.....
۱۱۰.....	ترکیبات اضافی.....
۱۱۰.....	تتابع اضافات.....
۱۱۱.....	ترکیبات وصفی.....
۱۱۱.....	ترکیبات وصفی عامیانه.....
۱۱۲.....	عطف صفتها.....
۱۱۲.....	هسته + متمم.....
۱۱۴.....	هسته + پیرو توضیحی.....
۱۱۵.....	بدل.....
۱۱۵.....	جمله.....
۱۱۶.....	جملات مرکب و بسیط.....
۱۱۸.....	جملات خبری و انشایی.....
۱۱۹.....	جملات دستورمند و نادستورمند.....
۱۱۹.....	جملات انگلیسی.....
۱۲۰.....	جملات معترضه.....

۱۲۰.....	جملات عامیانه.....
۱۲۰.....	آمیختگی شعر و نثر.....
۱۲۱.....	فعل.....
۱۲۱.....	افعال قدیمی.....
۱۲۱.....	تکرار افعال.....
۱۲۲.....	بار عاطفی.....
۱۲۳.....	ایستایی و پویایی.....
۱۲۴.....	لحن.....
۱۲۸.....	در هم آمیختگی لحن.....
	فصل پنجم
۱۳۰.....	نتیجه.....
۱۳۲.....	منابع و مآخذ.....

فصل اول  
"کلیات"

## کلیات

### زبان

این بینش که زبان هدیه‌ای از طرف خداوند است در تعداد زیادی از فرهنگ‌ها با زبان‌های متفاوت وجود دارد. کاربرد زبان در زندگی روزمره ما آن قدر عادی و بدیهی شده است که کمتر به نقش این پدیده شگفت‌انگیز در زندگی فردی و اجتماعی خود توجه می‌کنیم. «تاریخ پیدایش زبان را در زندگی انسان به دقت نمی‌توان تعیین کرد. ولی مردم‌شناسان آن را بین پانصد هزار تا یک میلیون سال پیش حدس می‌زنند. بنابراین زبان پدیده‌ایست بسیار کهن. ولی نقش زبان در حیات انسان در این مدت طولانی هیچگاه باندازه نقش آن در ده هزار سال گذشته نبوده است.» (باطنی، ۱۳۴۹: ۲۴)

زبان مجموعه‌ای از نشانه‌های قراردادی است که به عنوان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و انتقال اندیشه و تجربه به دیگران به کار می‌رود. هم‌چنین انسان برای تفکر، استدلال و فعالیت‌های ذهن نیازمند به زبان است. ذهن و آنچه در آن می‌گذرد ناشناخته و تعریف‌ناشدنی است و تنها به وسیله زبان است که افراد می‌توانند ذهنیت خود را به دیگران نشان دهند. علاوه بر این «اگر سیستم نشانه‌ها، چه نشانه‌های زبانی و چه نشانه‌های دیگر در کار نباشد، فقط محدودترین و ابتدایی‌ترین نوع ارتباط امکان‌پذیر می‌شود. ارتباطی که با استفاده از حرکت‌های بیانی عمدتاً در جانوران مشاهده می‌شود.» (ویگوتسکی، ۱۳۷۱: ۳۷) در صورتی که انسان موجودی اجتماعی است و یکی از مهم‌ترین نیازهای او برقراری ارتباط با هم‌نوعان و ایجاد تفاهم با آنهاست و زبان مهم‌ترین ابزار این ارتباط است.

مهم‌ترین وجه تمایز زبان انسان با حیوانات در این است که در زبان‌های انسانی با استفاده از آواها و واژگان و ترکیب و ساخت آن‌ها در کنار هم تعداد زیادی جمله و مفهوم به دست می‌آید. در صورتی که حیوانات چند صدای غیرقابل تجزیه را برای ارتباط با هم رد و بدل می‌کنند.

کنند و در زبان آنها چنین ساختار و قدرت ترکیب پذیری وجود ندارد. هم چنین زبان انسان دارای اصول و معیارهایی است که پژوهشگران از روزگاران گذشته سعی در شناخت آنها داشته‌اند.

زبان و ماهیت آن یکی از موضوعاتی است که توجه نخستین فیلسوفان جهان مانند افلاطون و ارسطو را نیز به خود جلب کرده بود. توجه به زبان در فراز و نشیب زمان، پیوسته ادامه داشته است و همواره قوانین آن به وسیله دستور نویسندگان، علمای معانی و بیان، لغت نویسندگان و سرانجام زبان شناسان معاصر مورد مطالعه قرار گرفته است. در این عرصه زبان شناسان و علم زبان شناسی بار سنگین تری را به دوش کشیده‌اند و در شناخت زبان و اصول و قواعد آن نقش پررنگ تری داشته‌اند.

خدمتی که زبان شناسی می‌تواند به امور جهانی بنماید نظیر خدمتی است که هر شعبه دیگری از علوم انسانی (به طور مثال جامعه شناسی) می‌تواند بکند. خدمت زبان شناسی در زمینه‌های تجزیه و تحلیل زبان و به کار بستن عملی یافته‌های آن است، هم در داخل اجتماع خودمان و هم در ارتباط جامعه ما با جوامع دیگر. هم چنان که جامعه شناسی، ساختمان گروه های اجتماعی را تجزیه و تحلیل می‌کند، زبان شناسی ساختمان زبان ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. (ر.ک. هال، ۱۳۶۳: ۲۶۶)

بسیاری از پیشرفت‌های علم زبانشناسی در حقیقت در آمریکا و از اواسط قرن بیستم به ویژه در نتیجه یافته‌های مردم شناسان آمریکایی که به بررسی فرهنگ و زبان سرخ‌پوستان بومی می‌پرداختند آغاز شد. (ر.ک. داد، ۱۳۸۷: ۲۶۴)

«وقتی سخن از زبان‌شناسی بمیان می‌آید، بسیاری گمان می‌کنند مقصود مطالعه تاریخی زبان است. یعنی اینکه ریشه لغات در گذشته چه بوده است. کلمات چگونه از هم مشتق شده و لهجه‌ها و زبانهای مختلف چطور از هم گرفته شده‌اند. این نوع مطالعه زبان، زبان‌شناسی تاریخی

نام دارد.» (باطنی، ۱۳۴۹: ۲۹) در صورتی که زبان شناسی به شناخت چگونگی استفاده از زبان و عناصر زبانی می‌پردازد و موضوع‌های مورد بررسی آن واج شناسی، نحو و معنی شناسی است. زبان شناسی در گذر زمان رشد قابل توجهی داشته است. یکی از تفاوت‌های زبان شناسی نوین با زبان شناسی قدیم در این است که زبان شناسی جدید، به ساخت صوری زبان می‌پردازد و زبان را به عنوان پدیده‌ای مستقل مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این شیوه اولین کار زبان شناس این است که خود را از قید و بند تصورات قبلی در مورد یک زبان یا ارزش موقعیت اجتماعی آن رها سازد. به عبارتی نخست خود زبان را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و بعد به بررسی موقعیت‌هایی می‌پردازد که زبان برای بیان آن‌ها به کار برده می‌شود.

باطنی نیز معتقد است در زبان شناسی نوین باید نخست ساخت صوری زبان را مورد مطالعه قرار داد و سپس به بررسی رابطه صورت و معنا پرداخت. به اعتقاد او در هم آمیختن صورت و معنا کار نادرستی است. (ر.ک. همان، ۱۳۶۹: ۲۸)

در بررسی ساختار زبان به شکل صوری به هیچ وجه از اهمیت معنایی آن کاسته نمی‌شود. زبان‌شناسان نوین نیز به هیچ وجه اهمیت معنایی زبان را انکار نمی‌کنند و پیوسته عامل معنی را به عنوان یک ملاک قطعی در تعیین این‌که آیا یک صورت یا صدا دارای نقشی هست یا نه، در نظر می‌گیرند و از دیدگاه آن‌ها معنی است که به زبان فایده می‌بخشد و تنها علت وجود آن است و اگر به سبب انتقال معنی و در نتیجه به سبب فایده‌ای که مردم از استعمال زبان به دست می‌آورند نبود، هیچ کس حاضر نمی‌شد چنین دستگاه پیچیده صوتی را به کار بگیرد. علاوه بر انتقال مفهوم، معنی و اندیشه، زبان، نقش‌های متعدد دیگری نیز دارد که انگیزه کاربر زبان برای استفاده از آن است.

«یاکوبسن» شش نقش کلی برای زبان معرفی می‌کند. ۱. نقش عاطفی ۲. نقش ترغیبی ۳.

نقش ارجاعی ۴. نقش فرازبانی ۵. نقش همدلی ۶. نقش ادبی. (ر.ک. صفوی، ۱۳۹۰: ۳۶ و ۳۷)



هر یک از این نقش‌ها دارای اهمیت فراوانی در زندگی اجتماعی افراد است که برای جلوگیری از طولانی شدن کلام از توضیح چگونگی ایفای این نقش‌ها خودداری می‌کنیم.

## ادبیات

یکی از نقش‌های مهم زبان نقش ادبی آن است. زبان و ادبیات ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند. ادبیات جلوه‌گاه اندیشه‌های انسانی، آرمان‌ها و فرهنگ و تجربه یک جامعه است و ادبیات از زبان به عنوان ابزاری برای بیان زیبا و متعالی اندیشه و احساس خود استفاده می‌کند. به عبارت دیگر ادبیات صورت بیرونی احساسات، تفکرات و عواطف درونی است که در قالب زبان نمود پیدا می‌کند و شاید دلیل اصلی پیدایش زبان، میل انسان به بیان آن‌چه در درونش می‌گذرد بوده است. همچنین یک اثر ادبی می‌تواند وسیله‌ای برای انعکاس واقعیت‌های اجتماعی باشد. در هر صورت بدون زبان آفرینش ادبی ممکن نیست. با این وجود نباید فراموش کرد که در مواقع بسیار، زیبایی و تأثیرگذاری ادبیات با شکستن هنجارهای زبانی صورت می‌گیرد و از جمله چیزهایی که دلالت بر ادبی بودن زبان می‌کند یکی موزون بودن و دیگری هنجارگریزی و شکستن قواعد زبان است.

ژان پل سارتر در کتاب «ادبیات چیست؟» پا را فراتر می‌گذارد و زبان را مساوی با ادبیات می‌داند. به اعتقاد او آن‌چه ادبیات نامیده می‌شود ناگزیر زبان هم هست. اگر ادبیات را به طور کلی تجاوز از زبان بدانیم به هر حال باید بپذیریم که بیرون از زبان ادبیاتی نیست. پس ادبیات همان زبان است به اضافه (یا منهای) چیز دیگری و برای شناخت آن چیز دیگر ناچار باید اول زبان را شناخت. (ر.ک. سارتر، ۱۳۷۰: ۲۹ و ۳۰)

اما در جواب به این سؤال که ادبیات به طور کلی چیست و ماهیت آن چگونه است؟ کوشش‌های بسیاری صورت گرفته است. به عنوان مثال صاحب‌نظران ادبیات را نوشته‌ای تخیلی

و داستانی که زبان را به صورت خاصی به کار می‌گیرد بیان کرده‌اند که این تعریف چندان جامع نیست و فقط ادبیات داستانی را در برمی‌گیرد و ادبیات غیر داستانی را شامل نمی‌شود.

ادبیات داستانی شکلی از روایت است که به حوادث و اتفاقاتی اشاره می‌کند که واقعی نیستند و به عبارتی ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است و شامل قصه، داستان کوتاه، داستان بلند و رمان می‌شود. در مقابل ادبیات داستانی ادبیات غیر داستانی قرار دارد که شامل تاریخ نگاری ها و زندگی نامه نویسی ها است که جنبه واقعی دارد و تخیل در آن ها جای ندارد.

«بخشی از ادبیات داستانی ایران، اسطوره‌ها، افسانه‌ها، داستان‌ها یا داستان وارهایی است که ریشه در دورانی از زندگانی افسانه‌ای یا تاریخی سرزمین ایران دارد.» (وزیری، ۱۳۸۸: ۷)

نخستین داستان با تکنیک و اصول داستان نویسی «حکایت یوسف شاه» نوشته آخوند زاده (تولد: ۱۱۹۱ ه.ش. مرگ: ۱۲۵۷ ه.ش) است.

داستان‌نویسی در آغاز ظهور خود، از نظر موضوع و مضمون، دو مسیر مشخص را پیمود: الف- تاریخی ب- اجتماعی. غرض نویسندگان از نوشتن داستان‌های تاریخی، ارائه اطلاعات تاریخی به خوانندگانشان به منظور تقویت غرور ملی آن‌ها بود. این داستان‌ها از نظر فن و اصول داستان نویسی چندان متانتی نداشتند. علاوه بر این از نظر نثر و زبان هنری و ادبی چندان چشمگیر نبودند. (ر.ک. آژند، ۱۳۷۳: ۱۴ و ۱۵)

## رمان

با شروع مشروطیت در خاطر گویندگان و نویسندگان، اندیشه‌ها و شورهای تازه پدید آمد و اندیشه دگرگون کردن افکار و ذهن‌ها بر نویسندگان و روشن‌فکران روزگار چیره شد و داستان نویسی در این دوره به شکل جدیدی رشد کرد. در این زمان اغلب از تضادهای اجتماعی در داستان نویسی استفاده شد و نویسندگان سعی کردند به مشکلات و رنج‌های طبقات محروم جامعه بپردازند و علیه زور و بی‌عدالتی‌ها به پا خیزند. بنابراین رمان‌گونه‌هایی در انتقاد از اوضاع

سیاسی و اجتماعی ایران نوشته شد. هرچند آن چنان که باید و شاید مورد توجه ادیبان آن دوره قرار نگرفت و برای مدتی داستان نویسی دچار رکود شد. نخستین اثر ادبی ایران که در آن دوره به صورت رمان به چاپ رسیده و دارای مضمون تاریخی است با عنوان «دام گستران یا انتقام خواهان مزدک» به قلم یکی از پرکارترین رمان نویسان فارسی یعنی صنعتی زاده کرمانی (تولد: ۱۳۰۴ ه.ش. مرگ: ۱۳۸۸ ه.ش) نوشته شده است. کارهای صنعتی زاده منحصر به مسایل تاریخی نبود و نثر فارسی مدیون نخستین رمان خیالی او با عنوان «مجمع دیوانگان» است.

در شکل‌گیری رمان به شیوهٔ امروزی علاوه بر صنعتی‌زاده، دو نفر از نویسندگان بزرگ ما نقش مهم و برجسته‌ای به عهده داشته‌اند: دهخدا و جمال‌زاده. بررسی خط سیر ادب معاصر بدون حضور دهخدا و نقش مهم او در تحول سبک نوشتاری، یک بررسی ناقصی است. رواج نثری روان و ساده که رگه‌های زبان گفتاری و عامیانه در آن فراوان بود به وسیلهٔ دهخدا صورت گرفت. او در این باب حق بزرگی بر گردن ادب معاصر ایران دارد. (ر.ک. شیری، ۱۳۷۶: ۲۷)

داستان نویسی امروز در مقابل ادبیات هزار ساله ایران، نوعی نوپا و تازه کار است. ادبیات داستانی ایران در صد سال اخیر رشد قابل توجه و چشم‌گیری داشته است و در روزگار ما نیز مخاطبان زیادی را به خود جلب کرده است. در این میان رمان و به ویژه رمان کوتاه به دلیل تحولاتی که در نحوه زندگی فردی و اجتماعی مردم رخ داده است مخاطبان و علاقه‌مندان فراوانی یافته است.

نویسندگان ایرانی نخستین بار به واسطهٔ ترجمه رمان‌های فرانسوی با رمان آشنا شدند. صاحب‌نظران تعریف جامع و کاملی از رمان که انواع آن را دربر بگیرد، ارائه نداده‌اند. اغلب آن‌ها رمان را به این صورت تعریف کرده‌اند: رمان نثر روایتی است که به طور معمولی طولانی است و اعمال، گفتار و رفتار شخصیت‌ها، آن را می‌سازد.

سیما داد نیز رمان را روایتی طولانی می‌داند که شخصیت‌ها و حضورشان را در سازمان بندی مرتبی از وقایع و صحنه‌ها تصویر می‌کند. تعداد کلمات رمان از ۳۰ الی ۴۰ هزار تا کمتر نیست و حداکثری برای طول و اندازه واقعی آن وجود ندارد. (ر.ک. داد، ۱۳۸۷ : ۲۳۹) رضایی نیز در مورد نحوه شکل گیری رمان می‌گوید: «رمان به عنوان یک شکل ادبی در عصر جدید تکامل یافته است اما ریشه‌های آن را باید در قالب‌های دیگری یافت که سابقه آن به حماسه‌های کلاسیک می‌رسد. اصولاً روح رمان داستان‌سرایی است و حماسه‌ها و رمانس‌های سده‌های میانه و نیز قصه‌های منثور کوتاه (متداول در ایتالیا) نیز داستان‌های سرگرم‌کننده را در دسترس خواننده قرار می‌دادند. قصه منثور کوتاه که از دوران باستان شکلی شناخته‌شده بود تکامل یافت، طولانی‌تر شد و کم‌کم به شکل زنجیره‌ای از رویدادها درآمد که شخصیتی مرکزی آنها را به هم ارتباط می‌بخشید. سرانجام هم از همین رویدادهای زنجیره‌وار رمان پدید آمد. پیدایش رمان در انگلستان تاریخی طولانی دارد. در ادبیات این سرزمین نزدیک‌ترین نوشته‌ها به رمان، «مسافر بدبخت» اثر تامس ناش به شمار می‌رود.» (رضایی، ۱۳۸۲ : ۲۳۴ و ۲۳۵)

محسن سلیمانی در کتاب «رمان چیست؟» رمان‌ها را برحسب اهدافشان به چند دسته تقسیم می‌کند. از جمله رمان بیلدانگ (بیلدانگ اصطلاحی آلمانی به معنی رشد و شکل‌گیری یا رشد و کمال است). رمان اجتماعی، رمان تاریخی و رمان محلی. به اعتقاد او رمان در نیمه دوم قرن نوزدهم به اوج شکوفایی خود رسید و جای تمامی قالب‌های ادبی دیگر را گرفت. (ر.ک. سلیمانی، ۱۳۶۹ : ۱۷ و ۱۸)

فرو ریختن قطعیت‌ها، کم شدن تفریحات، غربت روحی و تنهایی انسان‌ها در سیر باشتاب زندگی و افزایش باسوادان سبب شده است که داستان‌ها و رمان‌های ایرانی با درون مایه‌های مختلف خوانندگان فراوانی را به خود جلب کنند.